

ضمیمه

نبرد بلوچ



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات بلوچستان
(اتحاد زحمتکشان بلوچستان) ★ شماره ۳۹ تاریخ ۵۹/۶/۱۶ بهاء ۱۰ ریال

در بلوچستان چه میگذرد؟

در این گذرگاه توده‌های هنوز متوهم آن پشتوانه و در واقع گوشت دم تویی هستند که می‌توانند در سرکوب و مقابل به مبارزات توده‌های بی‌باک و غیر متوهم و نیروهای انقلابی و کمونیست مورد بهره‌برداری رژیم قرار گیرند. این همان روندی است که امروز صفت مشخصه حرکت عمومی جامعه را ترسیم کرده و هرروزه اجزاء و مولفه‌های مختلف آن در سطحی سراسری آماده‌تر گشته و کل جامعه را بسوی یک جنگ داخلی (رویا روشی قطب انقلاب و ارتجاع) سوق میدهد. جنگی که نتیجه اجتناب‌ناپذیر عملکرد و تضادهای طبقاتی در درون جامعه ما بوده و هیات حاکمه نیز برای اعمال و تدابیر حاکمیت خویش ناگزیر از دست‌پا زدن بدان است.

★ ★ ★

بلوچستان نیز علیرغم شرایط مشخص و ویژگیهای خویش از این روند عمومی مستثنی نیست. اما اینکه چگونه نیروی توکین و رند جنگ داخلی به مفهوم فوق، در بلوچستان نیز همانند سایر مناطق ایران خواهد بود یا نه، مسئله‌ای است که خود ویژگی شرایط این منطقه به آن پاسخ میگوید. از اینرو قبل از آنکه به تاثیرات این خود ویژگی بر روند عمومی و سایر حرکت منطقه بپردازیم، لازم است که به هم‌روئوس این شرایط ویژه‌نگاهی اجمالی بيفکنیم:

الف - اوضاع و مختصات توده‌های خلق بلوچ

با حدت یابی و عمیق‌تر شدن بحرانهای ذاتی نظام

تعیین سرنوشت خویش برسمیت بخشد، بلکه با منطق زور و جاق منکر وجود هرگونه مسئله‌ای بنا به مسئله ملی و خلقهاست. واقعیات جامعه توهم‌توده‌ها را سرعت بکناری میزنند و رژیم هر روز توده‌های وسیعتری را در مقابل خویش می‌یابد. هیات حاکمه در مقابل به خواسته‌های بحق توده‌ها و خلقهای تحت ستم بناگزیبر برای تثبیت و اعمال حاکمیت ارتجاعی خویش چاره‌ای جز سرکوب و بخون کشیدن مبارزات آنان را ندارد، و



نوشته‌ای که در پیش روی شما قرار دارد، توسط رفقای تشکیلات بلوچستان سازمان (اتحاد زحمتکشان بلوچستان) و در باره اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی بلوچستان تهیه شده است. این مقاله قبلاً بعنوان ضمیمه "نبرد بلوچ" شماره ۳۹ در تاریخ ۵۹/۶/۱۶ منتشر گردیده است. اما بنا به اهمیتی که این نوشته از نظر سیاسی در شرایط فعلی داشت، ما تصمیم گرفتیم، تا این نوشته را مجدداً و با اندکی تغییرات بصورت ضمیمه "پیکار" شماره ۷۴ نیز منتشر نماییم. "هیئت تحریریه پیکار"

در بلوچستان چه میگذرد؟

هر روز که میگذرد رژیم جمهوری اسلامی ناتوانی و درماندگی خود را در پرتو سخاوتهای به معضلات اساسی جامعه عیانتر میسازد. بر سرتداوم بحران همه‌جانبه اقتصادی و بر مبنای از لگدکوبی به حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی توده‌ها، جنیش توده‌ای با نا موزونی خاص خویش سرعت سمت ضد رژیم بخود گرفته و میگیرد. رژیم جمهوری اسلامی که خود نیز از درون دستخوش تضادهای جناحهای قدرتمند حاکم میباید شدا جز تر از آن است که بخواسته‌ای بحق توده‌ها و خلقهای تحت ستم پاسخ گوید. رژیم جمهوری اسلامی خواست حقه خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و... را با گلوله جواب میدهد. در مقابل مبارزات قهرمانانه خلق کرد در پرتو ای جز تا نک، توپ و سی خانمانی وسیع توده‌ها در دست ندارد. و این دیگر برای خلقهای تحت ستم مسلم شده است که چنانچه رژیم نه تنها قادر نیست حق مسلم آنها را دایر بر

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

وسعت رواج قاچاق و همچنین قدرت بوروکراتیک سردارها سخت جانی این مناسبات خود را بیشتر نشان میداد. مادر "سراوان" و "پران شهر" که قاچاق رواج کمتری داشت به وجود آنکه خوانین نیز از قدرت بوروکراتیک برخوردار بودند سرعت دگرگونی مناسبات فتووالی - عشیرتی بیشتر است (۷) خوانین در گذشته و (بالطبع در شرایط فعلی) دارای قدرت نظامی بودند

و بعنوان هیأ روحها رژیم شاه عمل میکردند. و از آنجائی که سرسپرد رژیم شاه بودند از جانب رژیم تلاش در جهت خلع سلاح آنان صورت نمیگرفت. اصولاً خوانین به خاطر بافت عشیرتی - فتووالی منطقه و نیز جهت حفظ نفوذ بر طوایف خویش راضی به خلع سلاح نمی شدند. چرا که اولاً تعادلات اجتماعی مابین طوایف بخاطر کسب قدرت و نفوذ بیشتر آنها قدرت نظامی را ایجاد میکرد و ثانیاً قدرتی و حفظ امتیازات حقوقی هر خان در چارچوب بقایای تفکر عشیرتی - فتووالی و دفاع از این حقوق و در مواردی کسب امتیازات بیشتر از رژیم شاه کمنیایا زمینه چینی قدرتی بود. خوانین بنا بر ملزومات فوق و با استفاده از شرایط مناسبات سلسله منطقه همیشه مسلح بودند. رژیم شاه نیز ضمن اینکه ارگانهای نظامی خویش را مستقلاً در منطقه داشت ساده ترین راه کسب حاکمیت بر منطقه را کما از مدتها پیش میدید. سرپرستی خوانین به رژیم شاه را به طبع مناسبات بین ارگانهای نظامی منطقه و آنها بوجود می آورد.

اما این امر مانع استفاده خوانین از قدرت نظامی و عشیرتی خویش جهت کسب امتیازاتی بیشتر از رژیم نمیشد.

پس از قیام مهمن ماه ۵۷ با درهم شکستن پورو - کراسی رژیم شاه خوانین اعتبار و نفوذ سیاسی قبلی خود را در دستگا بهرورکراتیک تا حدود زیادی از دست دادند. توده های میلیونی خلق که سالها در زیر فشار اختناق و دیکتاتوری فاشیستی محمدرضا شاه بودند بسادگی نمی توانستند عیان سر رژیم قبلی را باز هم در ارگانهای حکومتی تحمل نمایند. به قدرت خریدگان جدید که سوار بر همین شورشهای رزائی توده ها بودند، نمی توانستند نسبت به خوانین توده ها که کلا بی اعتنا به شد و بناچار می بايست بسیاری از اعمال رژیم سابق منجمده عده ای از خوانین از قدرت کناره گیری کنند. اما از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها در مدتها بودی سیستم شاه را به تازگی و وابسته نبود بلکه به تمام قوا در جهت حفظ وابستگی این سیستم نیز می کوشید بنا بر حفظ بعضی از جیره خواران این سیستم را که برای حاکمیت خویش وابستگی سیستم شاه را داشت و وابسته لازم می دیدند نیز در دستور کار خود قرار داد. نتیجتاً خوانین نیز بعنوان کارگزاران و مدافعان این سیستم قادر بودند به زندگی زالوا رویش ادامه دهند. از این جهت آنها علیرغم آنکه نفوذ و اعتبار سیاسی - بوروکراتیک خود را تا حدود زیادی از دست دادند ولی بطور کلی از زندگی انگلی و نفوذ بیشتر توده ها محروم نگشتند. رژیم جمهوری اسلامی پس از قیام از آنجا که خوانین را با روحیه پان خویش در سرکوب توده ها می یافت، بنا بر مایه های ارتجاعی بخشی از آنها را به عنوان نمایندگان مردم منطقه برسمیت شناخته و در

خویش با رژیم شاه قرار دهند. زمینه ای که با توجه به تعادلات بین رژیم شاه و خوانین و دیگر نیروهای اپوزیسیون ارتجاعی جنگ داخلی بین قطب انقلاب و ارتجاع را عمدتاً از کمال بین دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و ارتجاع حاکم) در منطقه خواهد گذراند.

ب- خوانین و نقش آنان در منطقه

خوانین (۲) در این منطقه آن نیروهای هستند که با لقوه و بالفعل پایگاه میربالیسم و کارگران آن (بختیار، مدنی، ...) بشمار میروند. اینان در زمان رژیم سرسپرد پهلوی گذشته از آنکه به عنوان کارگزاران آن در دستگا بهرورکراسی (۳) از امکانات مادی فراوانی برخوردار بودند به شیوه های دیگری نیز امکان کسب ثروت و چپاول دسترنج زحمتکشان بلوچ را داشتند. بطور کلی مجراهای کسب ثروت خوانین در این منطقه را در گذشته، میتوان در موارد زیر برده بندی کرد:

الف - واسطی بین توده ها و ادارات دولتی و رشوه گیری از این طریق.

ب - واسطی بین قاچاقچیان و ادارات دولتی و کسب رشوه.

ج - استثمار مستقیم دهقانان در اراضی تحت مالکیت خویش (از آن جمله "محمد خان میرلاشاری" مالک "محمد آباد" "عیسی خان مبارکی" مالک "عیسی آباد"، "کریم بخش سعیدی" مالک "گرم بیست" ...).

د - بکارگیری (نوعی مالیات گیری) - البته میان مردم عادی سنتی بنام بکارگیری مثلاً در عروسها و وجود اردک در اینجا منظور نیست. (از توده های زحمتکش بلوچ (۴) ...)

ه - و بندرت شرکت مستقیم در سرمایه گذاری در امروقاچاق (۵).

خوانین با حفظ روابط عشیرتی و نفوذ قدرت خود را بر توده ها تحمیل میکردند. موقعیت اجتماعی آنان در طایفه ها (۶) و موقعیت سیاسی آنها در منطقه از یک طرف باعث حفظ و گسترش نفوذشان بر طوایف میگشت. و از طرف دیگر فقر فلاکتنا رو عقب ماندگی ذهنی و نا آگاهی توده ها آنان را تحت نفوذ و سلطه خان که از قدرت بهرورکراسی نظامی برخوردار بودند میباشید.

متأسفانه توده ها علیرغم تفاوتهای نا پذیر طبقاتی با خوانین به دلیل نا آگاهی شدید و خلا قدرت نیروهای انقلابی تنها، نقطه اتکاء خویش را در منطقه همین خوانین می یافتند و به روابط عشیرتی اجباراً احترام گذاشته و حتی در مواردی از روی نا آگاهی مفرط نسبت به این روابط تعصب هم نشان میدادند. این شرایط توده ها را قادر میگرداند که نیازهای اداری خود را از کمال و با مشورت خوانین انجام دهند و نتیجتاً در سیستم گنبد بهرورکراسی محمدرضا شاه به خوانین به عنوان پارتی خودی بنگرند. سطح متفاوت رشد و تکامل نیروهای مولده در دونا حیه "سرحد" و "مکران" مناسبات عشیرتی و فتووالی - عشیرتی را به همراه داشت و رشد بهرورکراسی بر ماسانینهای سرمایه داری وابسته و همچنین گسترش امروقاچاق و نا آگاهی توده ها باعث میشد که این مناسبات درهم شکسته نشود. سرعت شکستن این مناسبات در آنجا که خوانین و سردارها قدرت بهرورکراتیک داشته و ممالات قاچاق رواج داشت، بسیار کندتر بوده و عامل دیرپائی آن نیز بشمار می رفت. برای نمونه میتوان گفت که در سرتیبه علیست

سرمایه داری وابسته و ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی از حل و پائین بخشیدن بدانشا هر روز فشارگرانی و بینکاری و فقر و فلاکت بردوش زحمتکشان سنگینتر می شود. توده های خلق بلوچ که رنج سیستمی - طبقاتی را سالها در متعادی بردوش کشیده است، امروز نیز کماکان در منگنه این ستم قرار داشته و حتی در اغلب مناطق در زیر بار بقاء رواج و مناسبات عقب مانده فتووالی - عشیرتی به همراه مراعات شرف باری مشغولند. امروز به جرات میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی در میان توده های ستمدیده بلوچ وجهه و پائین نادر دارد. این واقعیتی است که حتی خود رژیم و جیره خوارانش نیز بدان معترفند. بطوریکه ۲ هفته پیش هنگامیکه "میر سلیم" به همراهی جهت رسیدگی به "امنیته" منطقه آمده بود، در یک محاسبه تلویزیونی مشکل اساسی منطقه را چنین بازگو میکند: "مشکل اساسی در این است که مردم همکاری نمیکنند". آری توده های ستمدیده خلق بلوچ نه تنها از نظر مذهبی هیچگونه توهمی به رژیم ندارند بلکه موج نا راضی بنی جدید در میان آنها نشا نگرفتار عمیقشان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است اما اگر نا راضی و عدم توهم توده های خلق بلوچ نسبت به رژیم کنونی واقعیتی است آشکار، در کنار آن مناسبات واقعیت تلخی نیز وجود دارد و آن سطح نا زل آگاهی و عدم وجود جنبشهای وسیع خود بخودی در منطقه است از اینرو علیرغم نا راضی و فشار شدید و فاع معیشتی در مجموع توده ها دچار نوعی یاس و سرخوردگی میباشند (۱).

توده های زحمتکش بلوچ کمتر بر این باورند که امکان خلاصی از سرخوانین مزدور، مولولیهایی مرتجع و رژیم خود خلقی برای آنان موجود است. این امر از یک طرف مولود شرایط عقب ماندگی فرهنگی و روابط اجتماعی حاکم بر منطقه است (که فقدان جنبشهای خود بخودی با اهمیت و مبارزات ملی توده ها را از سالها گذشته در پی داشته) و از طرف دیگر بدلیل فقدان یک قطب انقلابی در مقابل ارتجاع می باشد. توده های خلق بلوچ که پس از قیام از سطح آگاهی نا زلی برخوردار شدند، به همان اندازه نیز قدر قدرتی رژیم حاکم و خوانین برایشان فروریخت. ولی عدم پیوند ارگانیک کمونیست با توده ها و ضعف قدرت آنها در منطقه باعث شد که سطح آگاهی توده ها در حد قابل توجهی ارتقاء نیابد. و آنان را همچنان در نوعی نا باوری نسبت به امکان خلاصی از سلطه آنها و ارتجاع حاکم بنگه دارد. با توجه به این واقعیت است که ضعف و عدم ارتباط ارگانیک و وسیع نیروهای انقلابی و کمونیست با توده های زحمتکش مسئله را در آ و رتری نماید. چرا که نا راضی شدید توده های ستمدیده بلوچ از رژیم جمهوری اسلامی با سطح نا زل آگاهی و فرهنگ عقب مانده و تنیده در بقاء مناسبات عشیرتی - فتووالی عین گشته است. به علاوه پوشیدگی نسبی استثمار خوانین از توده های زحمتکش و وجود مسئله ملی تضاد توده های خلق بلوچ با رژیم را بطور ملموس پررنگتر از تفاوتهای با خوانین جلوه داده است. و اینها آن زمینه مساعدی است که دست خوانین و نیروهای اپوزیسیون ارتجاعی را باز میگذارد. تا در موقع مقتضی برای مواج این نا راضی سوار شده و توده ها را وجه معامله

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

«نیک محمدشهبخش» ما موربرون مرزی ساواک پس از قیام عضو کمیته اما مدرزا هدان بود.
در جریان درگیری «عیدگاه» (زاهدان) «یزدی» این حامی و هوادار شناخته شده میرپا لیس آمریکا با خوانین و مولویهای مرتجع تشکیل جلسه میدهند تا در مورد حوادث «زاهدان» تصمیم گیری کنند ضمناً در «پادگان» «غاش» نیز «یزدی» با سرگرد خددا در یکی و عده ای دیگر از وابستگان رژیم شاه دیدار و در مورد مسائل منطقه مذاکره میکنند.

در تاریخ ۵۸/۸/۲۹ مقارن با درگیری «عیدگاه» اعفای شورای شهر «غاش» عبارت بودند از «عبدلرحمن ربکی» رئیس انجمن شهر فرزند «عیدخان» «فقیر محمد ربکی» رئیس تعاون و امور روستاها «حاج سهراب خان» «هاشمی» (رئیس خدمات آموزش و پرورش، نماینده و بخشدار «نوک آباد»)، «حاج چراغ ربکی»، «سولوی» «حافظ»، «احمد ربکی».

در تاریخ ۵۸/۹/۱۸ در «ایران شهر» جلسه ای با شرکت «مولوی قمرالدین» «ما مورباقی ساواک» و «بهمن خان» با رکنی» (جلاد مژماهوران و چاقا درختیاروشاه و آتش افروز و غارتگرهای ایران شهر در تاریخ ۲۸ بهمن ۵۷) و عده ای دیگر از عناصر مرتجع تشکیل میگردد تا برای شهر فرمانداران انتخاب کنند.

در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ جلسه ای با شرکت «هوشنگ خان ربکی» «برادر سرگرد خددا در یکی» و «انوشیروان ربکی»، «فرمانداران» «نموقع و حال غاش» و «شهردار» تشکیل میگردد.

بهمن خان با رکنی در تاریخ ۵۸/۹/۱۹ در جلسه ای با شرکت عده ای از مرتجعین دیگر — زده دستگیری چند جوان انقلابی را به آنان میدهد.

در تاریخ ۵۹/۲/۷ در جریان حمله ارتجاع به دانشگاه «چاقاچیان» معروفی چون «حاج ملا احمد» و «حاجی دادخدا شهبخش» در کنار پاداران قرار داشتند.

با توجه به حمایت رژیم از نیروهای ارتجاعی در بقیه مناطق ایران چون (کردستان، ترکمن صحرا، ...) این واقعیت روشن میگردد که این سیاست رژیم تنها مختص بلوچستان نبوده بلکه سیاست کلی و عمومی رژیم چنین است. برای ملموس تر شدن این سیاست رژیم در منطقه ما نمونه ای از عملکرد رژیم در سیستان را نیز شاهد مثال میآوریم:

در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ پس از مراجعت محمد رضا خان — پردلی «ازبده» خمینی «جلسه ای در منزل «حاج آقا» بزرگ طباطبائی» تشکیل میگردد. در این جلسه «ابراهیم خان»، «محمدحسین خان ناروئی»، «غلامحیدر ناروئی»، «حبیب اله سارانی» و «علیخان سارانی» شرکت داشتند. نامبردگان پس از این نشست معادله اراضی (بوسیله جمعیتشان) را محکوم مینمایند و به دنبال آن در تاریخ ۵۸/۹/۲۲ «سید محمد تقی طباطبائی» (نماینده اما مدرزا بل و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی) را همیانی نیروهای مترقی و مردم علیه خوانین را محکوم میکند.

(۹) — پس از واقعه عیدگاه «دکتر بهرامی» بتوسییه و تا شید خوانین به استناداری سیستان منصوب میگردد (۱۰) — این امر یعنی برخورد و نبودن از بعضی

اما کانات و موقعیتهای چشمگیر گذشته، در تداوم خود میتواند بر اعماق دین و نفوذ خوانین بر طوایفشان لطمه بزند. از همین رو است که آنان نمیتوانند بر احتیاج به آن تن دهند. چرا که سرگردی عشیرتی خوانین ارتباط نزدیک با اعتبار و قدرت بورکرا تیکشان دارد (۱۱) — وضع رژیم جمهوری اسلامی در نواحی مختلف منطقه از لحاظ موقعیت و قدرت عملش یکسان نیست. چگونگی موقعیت رژیم در عین حال که بر حرکت خوانین تا شیر میگذارد، این امکان را نیز بوجود میآورد تا رژیم بتواند قدرت نهادهای وابسته به خود چون سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و... را با عملکردهای خود چون تشکیل کلاسهای یدشولوزیک، اردوهای تابستانی ایجاد خفقا، شدید و تبلیغات بی شمار علیه کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی، اجرای طرحهای در زمینه های اقتصادی (بسیار محدود)، تاحدودی حفظ نموده و گسترش دهد. رژیم در وضعیت کنونی توانسته است مشغول از معاشات جوشی و در مواردی همکاری خوانین سرحد کمال استفاده را در جهت اهداف ضد — انقلابی خود بنماید. واضح است که این امر نمی تواند بر روند روبه رشد آگاهی توده های زحمتکش و فعالیت نیروهای انقلابی تا شیر نداشته باشد.

(۱۲) — تداوم جناح حزب جمهوری اسلامی با جناح لیبرالها و کوشش در جهت طرد آنها از قدرت (مجلس، وزارت...) باعث شد که آنها حتی نماینده خاش را که از وابستگان خوانین طایفه ربکی بود، نیز از مجلس اخراج کنند و در نتیجه آنها را نیز به طیف اپوزیسیون ارتجاعی و به مقابله با خود بکشانند.

(۱۳) — مثلاً در حالیکه بهمن خان با رکنی «رئیس طایفه با رکنی» در حال معاشات با رژیم و بندوبستهای سیاسی و اداری با آن است، «امان اله باران» که از اقوام نزدیک وی میباشد بقتل و غارت و راهزنی و درگیری مسلحانه با عوامل رژیم مشغول است. وی با خوانینی چون «کریم بخش سعیدی»، «بهرام خان شیرانی»

میرمولا داد سردار زهی و... (۱۴) — لازم به یادآوری است که ما مولویها را یک کل همگون ندانسته و معتقدیم که آنها منافع مختلف طبقاتی را هم ندارند و حائزین شیعه مذهب نمایندگی میکنند. از اینرو منظور ما از مولویهای مرتجع همان مولویهای دینفوذ میباشد که در گذشته و حال در خدمت رژیم حاکم وقت و یا دیگر ارتجاعیون قرار داشته اند. چه بسا مولویهایی در منطقه هستند که طرفدار و کارگزار خوانین و نظام سرمایه داری وابسته نبوده و خود زحمت کش و ستمدیده اند. با اینحال واقعیات بهمان نشان داده اند که در این منطقه هیچ جریانی که حکایت از مولویهای مبارز داشته باشد، وجود ندارد. و ما همان طور که در گذشته در «نبرد بلوچ» آورديم شار «دروید» مولویهای مبارز را در این مقطع شعاری انحرافی و ریزبونیستی میدانیم.

(۱۵) — این حزب در زمان «شریف امامی» و با نام «اطح المسلمین» جهت مقابله با مبارزات توده های انقلابی تشکیل گردید و سپس نام اتحاد المسلمین — بخود گرفت.

(۱۶) — خدمت مولویهای مرتجع به خوانین منطقه فقط به مواردی ادا شده خلاصه نمیکردد، موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد که گوشه ای دیگر از آنان چنین است:

«مولوی عبدالعزیز» طی نامه ای از هتل آریا — شرایتون به رئیس جمهور مینویسد، ضمن آن زخمی شدن و دستگیری چندتن از خوانین و قاچاقچیان جیرفت را محکوم میکند.

این امر نیز که شاخه «حزب اتحاد المسلمین» در سراوان با شرکت «علم خان اسدی» (با رکنی) و سایر خوانین تشکیل گردید حکایت از روابط نزدیک خوانین و مولویهای مرتجع دارد.

در تاریخ ۵۹/۴/۲۶ «خداداد میرلاشاری» خواهر — زاده «محمدخان» و عوامل مزدور مبارز به خلع سلاح



نکن، لوگ، آزاتی

— زهی "نمایا نگر جنین امری است. بهر حال میتوان گفت "حزب" موقعیتها یی نیز در این زمینه کسب کرده است چرا که تا هدم مولویها ی مرتجع حتی بعضی از امتیازات گذشته خوانین را بخود اختصاص داده اند و از همپرونی "سازشکاری" و "دسازی بیشتری با رژیم" از خود نشان میدهد.

یک با سگه از انداز رمزی کرده بود. اما مولوی قمرالدین و "شیخ نوری" میگویند "محمدخان" دارای پایگاه توده ای زیادی است و دستگیری وی آشوب بیا میکند. سرانجام حکم آزادی "خداداد" بوسیله "شیخ نوری" صادر میشود.

بتاریخ ۵۸/۹/۱۵ "کریم بخش سعیدی" در "راسک" اجتماع یی تشکیل میدهد و خواستهای خود را مبنی بر "خودمختاری" (بخوان خان مختاری) و... قرائت و بوسیله "مولوی عبدالعزیز" به "قم" ارسال میکنند. ضمناً "کریم بخش" در همین موقع قول میدهد که آنها را (اجتماع کنندگان) از نظر سلاح و پول تامین کند.

(۱۷) — در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۵ کلبه خوانین در "گرم-بیست" جلسه ای تشکیل میدهند. در این جلسه "میر ملا داد سردار زهی" مطرح میکنند که "مولوی عبدالعزیز" با رژیم سازشکاری و کمال همکاری را دارد و ما نباید به رژیم اعتماد کنیم. با مقابله "مولوی عبدالعزیز" که قبلاً وسیله آزادی "خداداد" در یکی "پیا مریان" "کریم بخش سعیدی" بود اکنون حتی در مقابل تمهید خسرو ریگی از مجلس شورای اسلامی موضعگیری نکرده. و سکوت مینماید.

(۱۸) — در انتخابات ریاست جمهوری کمیته تبلیغات بنی صدر نیز این گفته "مولوی عبدالعزیز" را که "برادر بنی صدر" از حقوق مادر مجلس خبرگان دفاع نموده است روی پلاکاردهای بزرگ نوشته و بر دیوار "زاهدان" چسبانده بودند.

(۱۹) — لازم به تذکر است که در انتخابات ریاست جمهوری "مدنی" بیشترین رای را در این منطقه بخود اختصاص داد. علاوه بر این به استناد رای رسیدن "دکتر بهرامی" (وابسته به پارتی) و "مدنی" (خوانین) پس از واقعه عیدگاه نیز شاهد دیگری بر ادعای ما مبنی بر تقویت لیبرالها از جانب مولویهای مرتجع است. چرا که همانطور که بر همه آشکار است در قرضه عیدگاه مولویهای مرتجع و خوانین یک جناح درگیر در این جنگ بر علیه رژیم بودند. ضمناً "مدنی" که رابطهای دیرینه با خوانین و مولویهای مرتجع دارد در اسفند ۵۷ مبلغ حدود ۸۰۰۰۰ تومان به "مولوی عبدالعزیز" و نیز ۴۰۰۰۰ تومان به "مولوی قمرالدین" (در مراسم ختم برادر "مولوی قمرالدین" که در "دامن" "ایران شهر" برپا شده بود) میدهد.

(۲۰) — در اینجا لازم به تذکر است که دوجناح قدرتمند رژیم حاکم علیرغم آنکه سیاستی یکسان را در منطقه دنبال میکند، اما هر یک از این دوجناح در اجرای این سیاست شیوهها و تکنیکهای خاص خود را دارند. لیبرالها و عناصر مزدور هیئت حاکمه بواسطه آنکه از انگیزه بیشتری در شتاب بخشیدن هر چه سریعتر به بازی سیستم سرمایه داری وابسته برخوردارند و نیز به واسطه پیوند و تکیه کمتری آنان با نهادهای دگم مذهبی عمدتاً در این منطقه به خوانین اتکاء مینمایند. اما در مقابل، "حزب جمهوری اسلامی" بواسطه تکیه یک جانبه اش بر مذهب مولویها را مورد نظر قرار میدهد و تلاش وی در جلب و تقویت آنان است (علیرغم آنکه مولویها خود بواسطه پیوند دیرینه با خوانین و نیز به علت انحرا رگرائی "حزب" به لیبرالها گرایش دارند). پشتیبانی سپاهیان و جاهدان و زندگی سراسر و از کاندیدائی "مولوی شهداد" در مقابل "برکت میرماد"

خجسته باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

روز جهانی
همبستگی
کارگران



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر